

بررسی جایگاه ادب در گفتار و تأثیر آن در زندگی انسان براساس آیات و

روایات

هانیه آرمیون^۱

چکیده:

هدف از نگارش این مقاله بررسی جایگاه ادب در گفتار و تأثیر آن در زندگی انسان بر اساس آیات و روایات است. تجزیه و تحلیل داده ها عمدتاً بر اساس تحلیل محتوا انجام شده است. از مهم ترین یافته های مقاله می توان به نحوه ی گفتار صحیح باوالدین و فرزندان، پرهیز از پرحرفی و قهقه زدن هنگام صحبت کردن و آهسته سخن گفتن اشاره کرد. پس از شناخت این ویژگی ها، می توان به راهکارهایی برای ارائه تصویر بهتر و کاملتر از جایگاه ادب در گفتار و تأثیر آن در زندگی فردی انسان اشاره نمود. از جمله این راهکارها می توان به شناخت وظایف هریک در گفتار بایکدیگر، رعایت حد اعتدال در کمال موجب بودن کلام، شیوه کنترل کردن خود در مواقع خشم و هیجان و انتقال آن در گفتار با یکدیگر اشاره نمود.

کلیدواژه: ادب، انسان، گفتار

مقدمه:

خداوند انسان را اشرف مخلوقات قرارداد و برای رسیدن او به کمال راهنمایی برای او فرستاد. قرآن کلام الهی و شایسته ترین راهنمای انسان تا پایان تاریخ می باشد و از آنجایی که قرآن خود را بهترین سخن دانسته، بر ماست برای دانستن فرهنگ صحیح گفتار دست به دامن قرآن زده و در فهم آن سخن اهل ذکر که معصومین هستند را معیار حقانیت و صحت آن بدانیم زیرا که قرآن خود می فرماید: اگر نمی دانید از اهل ذکر

^۱. سال پنجم سطح دو حوزه (کارشناسی) مدرسه ی علمیه ی شهید بنت الهدی علی آباد کتول

بپرسید.^۱ در عصر حاضر و تاثیر پذیری از عوامل محیطی و الگو گیری غلط از فعالان عرصه اجتماعی نحوه ی برخورد و گفتار بایکدیگر بسیار متفاوت از آنچه در اسلام به آن پرداخته شده است. مطالعه آیات و روایات در دسترس از ائمه معصومین کمک شایانی به رعایت ادب در گفتار می کند. از آنجایی که رعایت این مسئله سبب بهبود روابط انسانها باهم در زندگی روزمره می شود و به دنبال آن جامعه ای آرام و بی تنش را شامل می شود. این مقاله گرد آوری شد تا با توجه به آیات و روایات و مصداق رفتاری انبیا سبب آگاهی بخشی انسان از مفهوم و کاربرد و مهارت ادب در گفتار بر اساس بندگی خدادر زندگی اخلاقی و معنوی شود. برای این اساس این مقاله به پرسش هایی مانند: ویژگی ادب در گفتار، چگونگی رعایت ادب در گفتار با والدین و فرزندان و... و مواردی که حیطه ادب در گفتار را شامل می شوند را شامل می شود. در رابطه با این موضوع آثار ارزشمندی وجود دارد که می تواند به عنوان منبعی معتبر مورد استفاده قرار گیرد که در ذیل به چند نمونه از آنها می پردازیم:

۱. مارشال روزنبرگ (۱۴۰۳) در کتاب ارتباط بدون خشونت ، زبان زندگی اشاره میکند: خشم ما برخاسته از نیازها هستند. نیازهایی که برآورده نشدند و زمانهایی که به نیازها توجه نشود افراد از روشهای دیگری برای جلب توجه استفاده می کنند، مثل دادزدن، سرزنش و... بهتر است اینها نباشد.

۲. خلیل هیبتی (۱۳۹۸) در کتاب نیکو سخن بگوییم آورده است: از عوامل مهم در کیفیت گفتار واژگانی است که فرد به کار می گیرد تا منظور و احساسات خود را بیان کند، مانند سلام کردن هنگام ورود به منزل.

۳. مهدی ایرانمنش (۱۳۹۶) در کتاب ادب گفتگو آورده است: توانمندی ما در گفت و گو در صدر همه ی سرمایه گزاری های ما در بعد رفتاری، فرهنگی است.

۴. ۳. لیل لوندز (۱۳۹۵) در کتاب چگونه با هرکسی صحبت کنیم به جزئی ترین مهارتهای گفتار اشاره کرده است و آنها را برشمرده است.

۱. نحل، ۴۳.

در تمام این موارد به تعدادی از شیوه های رغایت ادب در گفتار پرداخته شده است، و به جزییات کمتری در این مورد اشاره شده و در برخی از آنها مصداق و روایات ائمه دیده نمی شود.

مفهوم شناسی:

ادب:

ادب در لغت: در لغت نامه های عربی، تمرین دادن نفس^۱ و حسن اخلاق^۲ شمرده شده است و ابن منظور، ادب را راهنمای مردم به سوی کار پسندیده، و بازدارنده آن ها از کار زشت می داند^۳.

ادب در اصطلاح:

الف) ادب در طی قرون به دو معنای عمده ادبیات (علوم ادبی) و ادب دینی (اخلاقیات) به کار رفته است^۴. ولی مقصود از آن در این بحث، ادب دینی می باشد؛ «حفظ حدّ و اندازه هر چیزی و تجاوز نمودن از آن را ادب گویند»^۵.

ب) تعاریف مشابه دیگری نیز وجود دارد. از جمله خواجه عبد الله انصاری پیرامون ادب اینگونه بیان می دارند: «ادب آن است که بنده در اثر شناختن ضرر و زیان تعدی از حدود الهی، حدّ میان غلو و جفا را حفظ کند»^۶.

ج) علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر گران سنگ المیزان به بیانی دیگر به تعریف ادب پرداخته و می فرمایند: «ادب، هیأت زیبا و پسندیده است که طبع و سلیقه چنین سزاوار می داند که هر عمل مشروعی چه دینی باشد

۱. فیومی، مصباح المنیر، ج ۲، ص ۹

۲. الطریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۰۶

۴. موسوی بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۲۹۶

۵. طبرسی، الادب الدینیة للخزانة المعینیة، ص ۱۹۹

۶. انصاری، ترجمه لاهیجی کاشانی، شرح منازل السائرین، ص ۱۵۱-۱۵۲

مانند دعا و امثال آن و چه مشروع عقلی باشد مانند دیدار دوستان بر طبق آن هیأت واقع شود. به عبارت دیگر: ادب عبارتست از ظرافت عمل^۱.

ادب از منظر قرآن:

در رابطه با اهمیت ادب در قرآن می‌توان به این آیه رجوع کرد که در آن، رعایت ادب و نگاه داشتن حرمت افراد در روابط اجتماعی، نشانه خردمندی دانسته شده است^۲.

«إِنَّ الَّذِينَ ينادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ؛ (ولی) کسانی که تو را از پشت حجره‌ها بلند صدا می‌زنند، بیشترشان نمی‌فهمند»^۳.

ادب از منظر روایات:

روایات بسیاری در این زمینه موجود است که در اینجا به یک مورد آن اشاره می‌شود: در تربیت فرزند مهمترین نکته‌ای که باید مد نظر داشت آموزش ادب است. وظیفه هر پدر و مادری این است که فرزند را ادب پسندیده بیاموزد. حضرت سجاد زین العابدین علیه السلام فرمود: «حق فرزندان به تو این است که بدانی...، موظفی فرزندان را با آداب و اخلاق پسندیده پرورش دهی»^۴.

اقسام ادب:

ادب بر دو قسم است: ادب با خدای عز و جل و ادب با بنده‌های او^۵.

علامه طباطبایی رحمه الله درباره وجود این دو قسم از گونه‌های ادب در سیره انبیاء چنین می‌فرمایند: ادب اعم است از ادب نسبت به خدا و ادب نسبت به مردم^۶. همچنین ایشان ادب نسبت به خداوند و ادب در برابر مردم را ادب فردی و

^۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۲۵۶

^۲. هاشمی رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ج ۲، ص ۴۹۹

^۳. حجرات، ۳

^۴. شیخ طبرسی مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۳۴۵

^۵. اندلیب، آداب اسلامی، ج ۲، ص ۱۲

^۶. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۲۶۲

اجتماعی دانسته‌اند. ادب فردی رعایت آداب عبودیت و بندگی در پیشگاه احدیت است و ادب اجتماعی رعایت آداب معاشرت با مردم می‌باشد.

آثار ادب:

هر کس با ادب همراه باشد سرانجام مؤدب به آداب الهی می‌شود و این ادب، نیکو یآوری برای او می‌گردد.^۱ امام هادی علیه السلام می‌فرمایند: «ادب یک بار گران است. هر که این بار را به دوش کشید سرانجام بدان دست یافت^۲.» پس ادب، نیکو یآوری است که انسان را در تمام مراحل زندگی هدایت می‌کند و رعایت آداب به زندگی او ظرافتی می‌بخشد که حدود الهی در آن محفوظ می‌ماند. «وَلِئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَ يَلْقَوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَ سَلَاماً - خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَتٌ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَاماً^۳.»

انسان:

در لغت: لغت‌شناسان عربی، مصغّر آن را «أُنْسِيَانُ» دانسته‌اند. اصلش از «إِنْسِيَانُ» است، زیرا «یای» دوم در تصغیر (علاوه بر یای اول)، بر وجود آن در اصل، دلالت می‌کند ولی به سبب کثرت استعمال حذف شده است.^۴ در بین اهل لغت کلمه انسان و بشر عَلَمٌ برای نوع انسان بکار رفته است، اما اکثر اهل لغت واژه «آدم» را عَلَمٌ برای شخص (حضرت آدم) گرفته‌اند. برخی هم آن را مثل انسان و بشر برای «نوع» بکار برده‌اند.

کلمه «انسان» در قرآن کریم ۶۵ بار و کلمه «بشر» ۳۵ بار و کلمه آدم ۲۵ بار بکار رفته است^۵ در قرآن هر کجا کلمه بشر بکار رفته، منظور جسم ظاهری، پوست و بدن انسان

۱. حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۲، ص ۴۴

۲. همان، ص ۴۴

۳. فرقان ۷۶-۷۵

۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۳۱؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۲۱

۵. سبحانی، دانشنامه کلام اسلامی، ج ۱، ص ۹۰.

همه ظلم و بدی که در حق یوسف روا داشتند، به دیدار او آمدند، یوسف (ع) از جفاهایی که آنان در حق وی کرده بودند، اصلاً سخنی نگفت و از آنان به بدی یاد نکرد، بلکه فقط با تعبیر «نَزَعَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي»^۱ به آن اشاره کرد و آنان را به آمرزش و بخشش الهی بشارت داد^۲. برخی مفسران، این سخن یوسف را از لطیف‌ترین ادب‌ها دانسته‌اند^۳.

آثار رعایت ادب در گفتار:

۱. جذب افراد:

مؤدب بودن ابزاری است که سبب بهبود روابط انسان با دیگران شده و افراد مختلف با سلايق و خصوصيات گوناگون را جذب انسان می‌کند چنانچه امام علی (ع) در روایتی جالب می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالْأَدَبِ، فَإِنْ كُنْتُمْ مُلُوكًا بَرَزْتُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ وَسَطًا فَقُتِمُمْ، وَإِنْ أَعُوَزْتُمْ الْمَعِيشَةَ عِشْتُمْ بِأَدَبِكُمْ»^۴؛ ادب پیشه کنید، زیرا در این صورت اگر جزء فرمان‌روایان باشید، برجسته می‌شوید، اگر از اقشار میانه باشید، سرآمد می‌شوید و اگر تنگ دست باشید، با پیشه کردن ادب گذران زندگی می‌کنید.^۵

۲. اصلاح جامعه:

یکی از مهمترین آثار ادب در گفتار اصلاح جامعه است چرا که ادب عبارت است از اصلاح رفتارهای شخصی که در نهایت به اصلاح جامعه منتهی می‌گردد. نیاز جامعه به ادب آنچنان محسوس است که علی (ع) با توجه به این مطلب می‌فرماید: «إِنَّ النَّاسَ إِلَى صَالِحِ الْأَدَبِ أَحْوَجُ مِنْهُمْ إِلَى الْفِضَّةِ وَالذَّهَبِ»^۵؛ مردم، به ادب [فرهنگ و تربیت] درست، نیازمندترند، تا به طلا و نقره.

۱. یوسف، ۱۰۰

۲. یوسف، ۹۲

۳. طباطبایی، المیزان، ج ۶، ص ۲۷۷

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۰۴، ح ۴۸۳

۵. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۴۷، ح ۵۰۸۰

۳. خوب حرف زدن:

در برخورد گفتاری اگر ماده «قُل» و «قُولُوا» را در قرآن دنبال کنیم درمی‌یابیم که قرآن کریم برای گفتار اهمیت خاصی قائل است و هرگز بدزبانی و بدگویی را روا نمی‌داند. ادب زبانی و تربیت گفتاری در قرآن جایگاه ارجمند و ارزشمندی دارد. به عنوان مثال: قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا؛ با مردم به خوبی و نیکی سخن بگویید. بنابراین، خوب حرف زدن و خوش‌زبانی و خوش‌بیانی و پرهیز از گفتارِ بد در قرآن بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. آیات قرآن درباره گفتار، به این ویژگی‌ها اشاره شده است: سَدِيداً، حَسَناً، لِيناً، الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ، مَعْرُوفاً^۲، مَيْسُوراً^۳. پس در گفتار باید مراقب بود که مخاطب آزاده خاطر نشود یا گفتار ما مایه ملال، تحقیر، دل‌زدگی و خستگی نشود.

نتیجه:

انسان برای رسیدن به هدف متعالی که خداوند برایش مقدر کرده است؛ نیازمند الگوپردازی از کلام خدا و راهنمایی است که او برای هدایت انسان گمارده است. یکی از راههای رسیدن به قرب خداوند گفتار صحیح یا استفاده صحیح از زبان است که خواه انسان را به شقاوت می‌رساند و خواه به جنت المعوی، که در این باره روایات بسیاری به دست ما رسیده است. با مطالعه قرآن و سیره امامان و آثار به جای مانده از آن بزرگواران می‌توان هم خود ادب گفتار را رعایت کنیم و هم فرزندان کمال‌گرا را پرورش دهیم چرا آینده‌ی جامعه‌ی شاد آرام به دست آنهاست. با توجه به روایات و مباحث اخلاقی مطرح شده و اصول صحیح گفتار بایکدیگر از دیدگاه اسلام دیدیم که امامان در برخورد با اصحاب و عموم مردم از چه لحن و گفتاری استفاده می‌کردند، گفتاری سرشار از ادب و آرامش و بدون از پر خاشگری و توهین و با آرامش کامل خصوصاً در برخورد والدین

۱. بقره، ۸۳

۲. نساء، ۵

۳. اسراء، ۲۷

و فرزندانش نسبت به یکدیگر که به صورت کامل بیان شده است. مطالعه روایات امامان و آیات آسمانی درسهای ارزنده ای را به ما و خصوصاً به مادرانی می دهد، که در دامن خود فرزندان را به عرصه جامعه می فرستند. از این رو این مقاله حاضر شد تا بتواند با گردآوری مطالب مفید، اندک کمکی به انسانهای عصر کنونی که با تمامی وجود درگیر فضاهای مجازی و متأثر از فعالان این عرصه چه به درست و چه غلط در حیطه ی تقلید گفتاری هستند را بکند؛ تا گفتارهایشان سبب آرامش و عدم رنجش از هم و کاهش آشفته گی ذهن اطرافیان و نابه هنجاری های جوانان شود که سرمنشاء آن به خانواده شیوه ی برخورد اعضای خانواده به خصوص پدر و مادر با یکدیگر است.

منابع:

قران

نهج البلاغه

۱. ابی حدید، عبدالحمید بن هبه الله، قم: مکتبه آیه الله للعظمی للمرعشی النجفی (ره)، چاپ ۱۴۰۲، ۵۲ ش.
۲. الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، جلد ۱، قم: المکتبه المرتضوی، چاپ ۳، ۱۳۷۵ ه. ش.
۳. انصاریان، حسین، عرفان اسلامی، جلد ۱، قم: دارالعرفان، چاپ ۲، ۱۳۸۶ ه. ش.
۴. لفندیب، محمد، آداب اسلامی، جلد ۲، قم: سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور، چاپ ۱۳۷۹، ۵۱ ش.
۵. انصاری، خواجه عبدالله، شرح منازل السائرين، عبدالرزاق لاهیجی کاشانی، تهران: الزهرا، چاپ ۲، ۱۳۷۹.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد ۱، بیروت: دار بیروت، چاپ ۳، ۱۴۱۴ ق.
۷. ایرانمنش، مهدی، ادب گفتگو، تهران: قائم، چاپ ۱، ۱۳۹۶ ه. ش.
۸. آذریزدی، مهدی، قصه ها و مثل ها، تهران: اشرفی، چاپ ۱، ۱۳۸۱ ه. ش.
۹. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتب الاسلامی، چاپ ۲، ۱۴۱۰ ق.

۱۰. بیضاوی، عبدا.. بن عمر، تفسیر بیضاوی، بیروت: دار احیاء التراث، جلد ۲، چاپ ۱، ۱۴۱۸ ه.ق
۱۱. حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، تهران: آرایه، جلد ۲، چاپ ۱، ۱۳۸۵
۱۲. روزنبرگ، مارشال، ارتباط بدون خشونت زبان زندگی، کامران رحیمیان، تهران: اختران، چاپ ۱۸، ۱۴۰۳ ه.ش
۱۳. زبیدی، محمد بن محمد مرتضی، تاج العروس، بیروت: دار الهدایه، جلد ۴، چاپ ۱، ۱۳۸۷ ه.ش
۱۴. سبحانی تبریزی، جعفر، دانشنامه کلام اسلامی، قم: موسسه امام صادق (ع)، ج ۱، چاپ ۱، ۱۳۸۷
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، شیعه در اسلام، تهران: بوستان کتاب، جلد ۱، چاپ ۱۸، ۱۳۰۱ ه.ش
۱۶. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، قم: انتشارات اسلامی، جلد ۶، چاپ ۵، ۱۳۷۴ ه.ش
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، الاداب الدینیہ الخزائنہ المعینیہ، قم: زائر، چاپ ۱
۱۸. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم اخلاق، قم: الشریف الرضی، جلد ۲، چاپ ۴، ۱۳۷۰ ه.ش
۱۹. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، المحجۃ البیضاء، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، جلد ۵، چاپ ۱۳۷۳، ۵۴ ه.ش
۲۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، چاپ ۳، ۱۳۷۳ ه.ش
۲۱. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، لبنان: المکتبه العصریه، جلد ۲، چاپ ۱، ۱۴۲۸ ه.ق
۲۲. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، جلد ۷، چاپ ۶، ۱۴۱۲ ه.ق
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، محمد باقر کمره ای، قم: اسوه، جلد ۲، چاپ ۳، ۱۳۷۵ ه.ش

۲۴. لوندز، لیل، چگونه با هر کسی صحبت کنیم، مهدی قراچه داغی، تهران: ذهن آویز، چاپ ۱۹، ۱۳۹۵
۲۵. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: دبیر، جلد ۳، چاپ ۳، ۱۳۹۰. ش
۲۶. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، تفسیر صدر المتألهین، قم: بیدار، جلد ۲، چاپ ۲، ۱۳۶۶
۲۷. موسوی بجنوردی، سید محمد کاظم، دوائر المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دوائر المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۷، چاپ ۱، ۱۳۶۷. ش
۲۸. هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، تهران: بوستان کتاب، جلد ۲، چاپ ۴، ۱۳۹۵. ش
۲۹. هیبتی، خلیل، نیکو سخن بگوییم، تهران: موسسه انتشاراتی فرهنگی اشتیاق نور، چاپ ۱۲، ۱۳۹۸. ش